

بسم الله الرحمن الرحيم

شما عزیزان نمازگزار، خواهران گرامی، برادران بزرگوار و بیش از همه خودم را به رعایت تقوای الهی توصیه و سفارش می‌کنم، در همه شئون زندگی، در تعامل با دیگران، با خانواده، با اجتماع، با زیردستان، با همکاران، با همسایگان و در ارتباط با خداوند متعال، تقوای الهی را رعایت کنیم؛ چراکه درجات والا نزد خداوند از آن کسانی است که تقوای بیشتری داشته باشند.

صلابت حضرت زینب(س) درس امروز مسئولان در مواجهه با دشمن است

در ایام سوگواری حضرت سیدالشهداء(ع) و شهدای عزیز دشت کربلا هستیم؛ ایامی که هم‌زمان شده است با تشییع پیکر مطهر امام شهیدمان و خانواده بزرگوار ایشان که پس از چهار ماه، در روزهای آتی انجام خواهد شد. این روزها، روزهای عزای حضرت زینب کبری(س) است؛ روزهایی که با مأموریت بزرگ و جهاد خاصه حضرت زینب کبری(س)، امام سجاد(ع) و کاروان اسرا همراه شده است. شایسته است زندگی حضرت عقیله بنی‌هاشم، حضرت زینب(س) را مرور کنیم، از آن درس بگیریم و به موقعیتی که آن حضرت در این روزها، پس از شهادت حضرت سیدالشهداء(ع)، در آن قرار گرفته بود، همچنین به عملکرد و مبارزه ایشان با طاغوت توجه کنیم.

با اینکه کاروان در اسارت بود و در ظاهر ماجرا، یزید پیروز میدان به نظر می‌رسید و ظاهراً هفتاد و دو نفر از یاران امام حسین(ع) را به شهادت رسانده بود، فرزندان حضرت زینب(س)، برادران بزرگوارشان، بستگانشان و حضرت اباعبدالله الحسین(ع) - که از جان زینب(س) عزیزتر بودند - همگی به شهادت رسیده بودند، در چنین شرایطی، این بانوی بزرگوار از یک‌سو مسئولیت مراقبت و سرپرستی کودکان و زنان را بر عهده داشت؛ زیرا امام سجاد(ع) در بستر بیماری بود و همه مسئولیت‌ها بر دوش عقیله بنی‌هاشم، آرامش‌بخش همه زنان و کودکان، زینب کبری(س) قرار داشت.

سختی‌های برخورد ظالمانه دشمن، تازیانه‌هایی که بر آنان فرود می‌آمد، تحقیرهایی که متحمل می‌شدند، آزار و اذیت‌هایی که در طول مسیر می‌دیدند، مرکب‌هایی که بر آن‌ها سوار بودند و همه این مصیبت‌ها، در کنار این حقیقت که سرهای مطهر شهدا را برای آنکه رنج و اندوه اهل بیت (ع) را بیشتر کنند، همراه کاروان حرکت می‌دادند، همگی بر سنگینی این مصائب می‌افزود.

شاید این اشعار، گوشه‌ای از حال و هوای حضرت زینب (س) را بیان کرده باشد:

می‌برید اما به روی ناقه عریان چرا

می‌دهید اینگونه بر آزار ما فرمان چرا

ما ز یثرب آمدیم آنجاست منزلگاه ما

می‌برید اینک به شام و کوفه ویران چرا

تازیانه بر تن گل‌های زهرا می‌زنید

می‌کنید آخر چنین دلجویی از مهمان چرا

لحظه‌ای آهسته‌تر تا خویش را سامان دهیم

می‌برید اینگونه ما را بی سروسامان چرا

گر مسلمانید، ای غارتگرانِ باغ دین

بر فراز نی زدید آئینه قرآن چرا؟

بال و پر بستید از مرغان گلزار نبی

نیلگون کردید از سیلی، رخ طفلان چرا...

همه این مصیبت‌ها چیزهایی است که ما حقیقت آن را درک نمی‌کنیم. ما فقط آنچه را تاریخ نقل کرده است، تصور می‌کنیم و درباره آن سخن می‌گوییم. اما حضرت زینب کبری(س) با همه این سختی‌ها، گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها روبه‌رو بود؛ مصیبت‌هایی که هر کدام به تنهایی برای از پا درآوردن یک انسان کافی بود، چه برسد به بانویی با سن بیش از پنجاه ساله.

با این حال، وقتی می‌بینید حضرت زینب(س) وارد کوفه می‌شود، وارد شام می‌شود و خطبه‌های آتشین ایراد می‌کند و در برابر ظالمان زمان خود می‌ایستد، درمی‌یابید که چگونه با شجاعت، غیرت و اقتدار رفتار می‌کند. امروز می‌خواهم بخشی از خطبه آن حضرت را که در کاخ ابن‌زیاد ایراد شده است، مطرح کنم. این جسارت، این شجاعت و این غیرت، درسی برای همه ماست، نه فقط برای بانوان.

دشمن به خیال خود در اوج شادی و سرور پیروزی بود؛ اما هنگامی که حضرت زینب(س) در برابر او قرار گرفت، با وجود همه مظلومیت‌ها، چنان آتشین، محکم و با اقتدار سخن گفت که دشمن را پشیمان کرد. کار به جایی رسید که در مجلس شام، یزید گفت من نگفتم این کار را انجام دهید! دشمن از کرده خود پشیمان شد و آن صفحه‌ای را که به خیال خود صفحه پیروزی می‌دانست، به شکست خود تبدیل کرد.

هنگامی که حضرت زینب(س) در مجلس ابن‌زیاد حاضر شد، در برخی از مقاتل نقل شده است که ابن‌زیاد گفت «مَنْ هَذِهِ الْمُتَكَبِّرَةُ؟» و در نقل دیگری آمده است «مَنْ هَذِهِ الْمُتَمَكِّرَةُ؟» یعنی این زن کیست که با چنین اقتدار و عزتی در مجلس نشسته است؟ به او گفتند: این، زینب(س) دختر امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) است.

ابن‌زیاد برای آنکه زخم زبان بزند، رو به حضرت کرد. دقت کنید؛ این صلابت یک بانو است. مسئولان ما باید از این رفتار درس بگیرند؛ در برابر دشمن کم نیاورند و با قدرت و اقتدار سخن بگویند. اینکه از کمبودها، ضعف‌ها و نداشته‌هایمان بگوییم، مشکلی را حل نمی‌کند؛ جز اینکه دشمن را شاد و دل‌مؤمنان را خالی کند!

ابن‌زیاد گفت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَقَتَلَكُمْ وَأَكْذَبَ أَحَادِيثَكُمْ» یعنی خدا را شکر می‌کنم که شما را رسوا کرد و دروغتان را بر همگان آشکار ساخت.

حضرت زینب کبری(س) با نهایت صلابت، آرامش و اقتدار فرمود «إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ، وَهُوَ غَيْرُنَا» یعنی رسوا، انسان فاسق است و دروغگو، انسان فاجر است و ما از آنان نیستیم. یعنی تو، ای ابن‌زباد، فاسق و فاجر هستی، نه ما!

سپس ابن‌زباد خواست سخن را ادامه دهد و گفت «كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟!»; این کاری را که خدا با اهل‌بیت تو کرد، چگونه می‌بینی؟ نگفت ما ظلم کردیم، نگفت ما لشکر فرستادیم و عزیزانتان را با ظلم به شهادت رساندیم؛ بلکه همه جنایت خود را به خدا نسبت داد و گفت: این کاری که خدا با شما کرد، اینکه هفتاد و دو شهید دادید و به اسارت درآمدید، آن را چگونه می‌بینی؟

اینجا جنبه توحیدی حضرت زینب کبری(س) آشکار می‌شود، که امام سجاد(ع) فرمود «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مُعَلَّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرَ مُفَهَّمَةٍ» شما الحمدلله بانوی دانشمندی هستید که علم لدنی دارد و تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده‌ای هستی که بشری شما را تفهیم ننموده است، اما حضرت زینب(س) فرمود «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» من جز زیبایی چیزی ندیدم! سپس فرمود «هؤلاء قومٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ» اینان گروهی بودند که خداوند شهادت را برای آنان مقدر کرده بود. کرامت ما، شهادت است. آنان به آنچه خداوند برایشان مقدر فرموده بود، رسیدند و به آرمان خود دست یافتند.

یک بانو در اسارت، در حالی که کاروانی را نیز بر عهده دارد، در برابر ابن‌زباد با چه قدرت، صلابت و هیبتی سخن می‌گوید. سپس رو به ابن‌زباد کرد و فرمود «اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ، فَتَحَاجُّ وَتَخَاصُمُ، فَانْظُرْ لِمَنِ الْفَلَجُ يَوْمَئِذٍ، هَبْلَتِكَ امْكُ يَابْنَ مَرْجَانَهُ!»

ای کاش ما، عظمت این عبارت عربی را همان‌گونه که هست درک می‌کردیم؛ زیرا نمی‌توان آن را با همان صلابت در قالب فارسی منتقل کرد. اما ترجمه آن این است که: ای بدبخت! به فکر آخرت خود باش؛ زیرا خداوند میان تو و این شهیدان جمع خواهد کرد. آنجا آنان با تو محاجّه خواهند کرد و تو را به محاکمه خواهند کشید. آن‌وقت خواهی دید که پیروزی واقعی از آن چه کسی است.

سپس حضرت فرمود «تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ يَا بَنَ مَرْجَانَةَ!» مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه. این تعبیر «ابن مرجانه» معنا دارد؛ زیرا مادر ابن‌زباد در دوران جاهلیت به بدنامی شناخته می‌شد و حضرت با این تعبیر، به رخس کشید که تو فرزند زن بدکاره‌ای هستی!

این صلابت و اقتدار، برای امروز ما درس آموز است. امروز نیز در برابر دشمن به همین صلابت و اقتدار نیاز داریم. شما فرمایشات و پیام‌های امام شهیدمان و نیز رهنمودهای امام عزیزمان، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را ببینید؛ همواره در برابر دشمن با صلابت، با اقتدار و در عین مظلومیت سخن گفته‌اند.

از سوی دیگر، باید ارتباط خود را با خداوند متعال حفظ کنیم. این همان بُعد توحیدی است که مقام معظم رهبری در همه پیام‌های خود ما را به سوی آن سوق می‌دهند و همچنین بر ارتباط با امام عصر (عج) تأکید دارند.

ای کاش این جمله را برای خود یقین بدانیم که «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»

ان شاء الله امیدواریم در مکتب حضرت زینب کبری (س)، در کنار حضور در عزاداری‌ها، مجالس، محافل خانگی، مساجد و هیئت‌هایی که در این روزها و شب‌ها برگزار می‌شود، دلبستگی و معرفت ما نسبت به مکتب حسینی و مکتب حضرت زینب کبری (س) نیز کامل‌تر شود و این معارف را به عنوان سبک زندگی در زندگی خود به کار بگیریم. [پایان خطبه اول]

در این خطبه دوم، خودم و شما نمازگزاران بزرگوار، خواهران گرامی و برادران عزیز را به رعایت تقوا، دوری از گناه، پیوستگی در طاعت و عبادت الهی توصیه و سفارش می‌کنم. ان شاء الله خداوند به همه ما توفیق دهد که در برابر گناه خوشتندار باشیم، واجبات را انجام دهیم، محرمات را ترک کنیم و حتی هر آنچه غیر خداست را نادیده بگیریم و همه رفتارها و اعمالمان را فقط برای خدا قرار دهیم تا به بالاترین درجات تقوا برسیم.

نهضت امام حسین(ع) برای «اقامه حق» «اصلاح امت» و «مقابله با ظلم» انجام شد / عدالت، سلامت و صیانت از حقوق مردم، محور توصیه‌های رهبر انقلاب به قوه قضائیه بود

در هفته گذشته، مقام معظم رهبری پیام بسیار مهمی به مناسبت هفته قوه قضائیه صادر کردند. ابتدای این پیام، در حقیقت یک راهبرد برگرفته از نهضت حضرت ابی‌عبدالله الحسین(ع) بود. ایشان نهضت امام حسین(ع) را چشمه‌ای دانستند و انقلاب اسلامی را شعبه‌ای منشعب از آن چشمه نورانی معرفی کردند و فرمودند که این نهضت و قیام حسینی برای سه هدف عمده شکل گرفت.

نخستین هدف، اقامه حق بود. کلمات حضرت ابی‌عبدالله(ع) در بخش‌های مختلف این حقیقت را بیان می‌کند. آن حضرت فرمودند «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ، وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ» من برای این قیام کردم که در زمانی که یزید ظالم، حاکم است و هر زمان دیگری که ظلم حاکم شود، حق اقامه گردد. مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و ناحق و باطل چگونه انجام می‌گیرد و کسی نیست که جلوی آن را بگیرد؟

هدف دوم، اصلاح امت بود. حضرت فرمودند «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى» من برای اصلاح امت جدم قیام کردم، در برابر دینی که داشت به سلطنت آمیخته می‌شد، من در مقابل جریانی که اسلام ناب محمدی در آن در حال از بین رفتن بود و اسلام ظالمانه در حال گسترش و رواج بود، ایستادم.

هدف سوم، مقابله با ظلم و ستم بود. در روایت شریف از نبی مکرم اسلام(ص) آمده «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا ... فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» که هرکس سلطان ستمگری را ببیند و در برابر او سخنی نگوید، اقدامی نکند و در مقابل او نایستد، سزاوار است که خداوند او را همراه و همنشین همان ظالم قرار دهد!

مقام معظم رهبری [در پیام خود] فرمودند که نهضت و قیام امام حسین(ع) برای این اهداف بود و از قله بلند تقابل حق و باطل و عدل و ظلم سخن گفتند. باید با این نگاه به نهضت امام حسین(ع) بنگریم. عده‌ای حاضر نمی‌شوند پرچم جمهوری اسلامی، شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در هیئت آنان راه پیدا کنند و می‌گویند در هیئت مسائل سیاسی را وارد نکنید! بنده این سخنان

را حمل بر بی‌دقتی، بی‌توجهی و ناآگاهی می‌کنم، اما واقعاً بعد از ۴۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، اگر کسی چنین سخنی بگوید، چه می‌توان گفت؟ آیا شما از نهضت حسینی هیچ نفهمیده‌اید؟! زیرا صریح فرمایشات امام حسین(ع) همین موضوع است.

امام جامعه نیز در پیام خود فرمودند که نهضت حضرت ابی‌عبدالله(ع) قله بلند تاریخ در مقابله با ظلم است. ما باید ببینیم خودمان در کجای این مسیر قرار داریم. نهضت امام حسین(ع) درس‌های بسیار ارزشمند و فراموش‌نشدنی برای همه آزادگان جهان دارد؛ نه فقط برای شیعیان، نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای همه آزادگان عالم!

گاندی وقتی می‌گوید من پیروزی خود را مدیون امام حسین(ع) هستم، یعنی از نهضت ابی‌عبدالله(ع) درس گرفتم، در برابر ظلم زمان خود ایستادم و پیروز شدم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی سپس فرمودند «نهضت و انقلاب اسلامی ایران، از آن‌رو که شعبه‌ای برگرفته از همین سرچشمه نورانی است، باید همواره در پی دستیابی به اهداف قیام حسینی باشد» قیام یعنی اقامه عدل، یعنی اصلاح امت و مقابله با ظلم و ستم.

ما خدا را شاکریم که در چنین زمانی زندگی می‌کنیم. خداوند امام راحل(ره) و امام شهید(ره) را رحمت کند که ما را در این مسیر هدایت کردند و پیش بردند. ما در سایه چشمه ابی‌عبدالله(ع) حرکت می‌کنیم و شعبه‌ای از آن چشمه نورانی هستیم. البته این نگاه باید آثار مثبت خود را در زندگی روزمره ما نیز نشان دهد.

هر مظلومی باید دستگاه قضایی را مأمن خود بداند

در ادامه، مقام معظم رهبری مطالبی را درباره قوه قضائیه بیان کردند. این یک سیر تاریخی است؛ از نهضت حضرت ابی‌عبدالله(ع)، از قله مقابله با ظلم و برقراری عدل، از تقابل حق و باطل، تا نظام اسلامی که در همین مسیر حرکت می‌کند و قوه قضائیه نیز باید در همین مسیر باشد.

ایشان توصیه‌هایی را مطرح کردند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم؛ از جمله کاهش تضییع حقوق، سرعت رسیدگی، ارتقا و سلامت و اتقان آراء قضات، دسترسی آسان‌تر به شاخص‌های عدالت.

همچنین فرمودند «هر مظلومی آن را مأمّن خود بداند» و صاحبان قدرت نباید جرأت تعدّی به حقوق دیگران را داشته باشند. این مسیر باید به‌گونه‌ای باشد که راه هرگونه سفارش و توصیه در قوه‌قضائیه به‌طور کامل مسدود شود.

اینکه امروز می‌گوییم باید چنین باشد، به این معنا نیست که خدای ناکرده این اصول رعایت نمی‌شود! بسیاری از این توصیه‌ها از باب تأکید و پیشگیری است تا اگر زمینه‌ای برای مشکل وجود داشت، از وقوع آن جلوگیری شود، نه اینکه الزاماً چنین اتفاقی رخ داده باشد. اگر هم موردی پیش آمد، باید جلوی آن گرفته شود. خدا نکند که در قوه‌قضائیه ما چنین مسائلی وجود داشته باشد.

این توصیه‌ها نیز تنها مخصوص دستگاه فعلی قوه‌قضائیه نیست، بلکه یک توصیه کلی و همیشگی است. در حقیقت، همه دستگاه‌های نظام باید پرتوی از انوار پرتشعشع حضرت ابی‌عبدالله الحسین(ع) را در خود مشاهده کنند و این مسیر را ادامه دهند.

ان‌شاءالله امیدواریم همه مسئولان، خود ما و حتی در زندگی فردی‌مان نسبت به خانواده، همسایگان، همکاران و همه اطرافیان، عدالت‌ورزی و مقابله با ظلم و ستم را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم؛ زیرا این مسئولیت تنها مربوط به مسئولان نیست، بلکه همه ما باید این مسیر را در زندگی خود دنبال کنیم.

هفته افشای حقوق بشر آمریکایی، فرصتی برای بیان جنایات آمریکا علیه ملت ایران است

نکته دیگری که بسیار مهم است، فرارسیدن هفته «افشای حقوق بشر آمریکایی» است. دقت کنید که امسال این موضوع به‌ویژه پررنگ‌تر مطرح شده و در برنامه‌های هفته گرامیداشت قوه‌قضائیه نیز به آن پرداخته شده است.

اینکه از ششم تیرماه تا دوازدهم تیرماه به عنوان هفته افشای حقوق بشر آمریکایی نام‌گذاری شده، اتفاقاً به پیشنهاد امام شهیدمان بوده است. ایشان در ششم تیرماه سال ۱۳۹۴، در دیدار با خانواده‌های شهدای تهران، این موضوع را مطرح کردند که فاصله ششم تا دوازدهم تیرماه، هفته افشای حقوق بشر آمریکایی باشد؛ زیرا اگر به این بازه زمانی نگاه کنید، در سال‌های مختلف، حوادثی رخ داده که اگر کسی بخواهد از حقوق بشر آمریکایی پرده‌برداری و آن را افشا کند، همین وقایع بهترین شاهد آن است.

روز ششم تیرماه سال ۱۳۶۰، روزی بود که امام شهید ما هنگام سخنرانی ترور شد.

روز هفتم تیرماه [همان سال] یعنی یک روز بعد، فاجعه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی رخ داد و شهید بزرگوار، شهید بهشتی، به همراه هفتاد و دو نفر از یارانش که از وزرا، مسئولان و شخصیت‌های برجسته کشور بودند، به فیض شهادت رسیدند.

روز هشتم تیرماه سال ۱۳۶۰، یعنی یک روز بعد از آن، شهید محمد کچویی، رئیس زندان اوین که یکی از انقلابیون برجسته بود، ترور شد و به شهادت رسید.

روز یازدهم تیرماه سال ۱۳۶۱، آیت‌الله صدوقی(ره) شهید محراب، نماینده امام و امام جمعه یزد، به شهادت رسید.

هشتم تیرماه سال ۱۳۶۶، بمباران شیمیایی سردشت توسط دست‌نشانده‌گان آمریکا انجام شد. در آن واقعه، ۱۱۰ نفر بر اثر بمباران شیمیایی به شهادت رسیدند و بیش از پنج هزار نفر مجروح شدند. این‌ها همگی ورق‌هایی از افتخارات حقوق بشری آمریکاست! که اگر دم از حقوق بشر می‌زنند این‌گونه از آن پشتیبانی و حمایت می‌کنند!

دوازدهم تیرماه سال ۱۳۶۷، یعنی یک سال بعد، هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران توسط ناو وینسنس به صورت علنی هدف قرار گرفت و ۲۹۰ انسان بی‌گناه، شامل زن، مرد و کودک، به شهادت رسیدند. این همان حقوق بشر آمریکایی است؛ هواپیمای مسافربری را هدف قرار دادند و همه سرنشینان آن را به شهادت رساندند.

مدعیان حقوق بشر، بزرگترین ناقضان حقوق انسان‌ها هستند!

این‌ها جنایاتی است که تنها در فاصله ششم تا دوازدهم تیرماه در سال‌های مختلف رخ داده و مربوط به همان کسانی است که ادعای دفاع از حقوق بشر دارند.

امروز نیز جنگ دوازده‌روزه را شاهد بودید. آمریکایی‌ها که پیش از این بیشتر به صورت نیابتی، مخفیانه و غیرمستقیم عمل می‌کردند، این بار مستقیماً وارد میدان شدند و همراه با رژیم سفاک صهیونیستی، جنایت‌های فراوانی را رقم زدند.

در جنگ چهل روزه اخیر نیز، جنایاتی در مدرسه میناب و لامرد صورت گرفت که تعداد زیادی از شهروندان و مردم عزیز ما به شهادت رسیدند و آمار شهدای غیرنظامی بسیار بالا بود. همچنین در این جنگ از سلاح‌های نامتعارفی استفاده شد که طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. [آمریکایی‌ها] در روز نهم اسفند یک موشک خوشه‌ای را در لامرد به کار بردند که هنگام انفجار، به هزاران قطعه ریز، شبیه گلوله ساچمه‌ای تبدیل می‌شود و می‌تواند منطقه وسیعی را هدف قرار دهد. حتماً در گزارش‌های خبری تلویزیون نیز استفاده از این سلاح‌های نامتعارف را مشاهده کرده‌اید.

با وجود همه این جنایت‌ها، همین افراد مدعی حمایت از حقوق بشر هستند! بهترین تعبیر در این زمینه، فرمایش امام شهیدمان است که در سال ۱۳۷۶ فرمودند «امروز دنیا، دنیای ظلم و دروغ و فریب است. پرچم دفاع از حقوق بشر را کسانی به دوش گرفته‌اند که بزرگترین دشمنان حقوق بشرند! در رأس آنها هم دولت آمریکا است»

هجدهم تیرماه سال ۱۳۵۹ نیز که در سال‌های گذشته درباره آن صحبت کرده‌ایم، کودتای نقاب، معروف به کودتای نوژه، طراحی شد؛ کودتایی که با برنامه‌ریزی وسیع قصد داشت اصل نظام را زیر سؤال ببرد. همه این‌ها از افتخارات جنایتکارانه آمریکا است!

آن وقت همین‌ها دم از انسانیت و حقوق بشر می‌زنند! وقتی مرگ بر آمریکا می‌گوییم، مقصود این حاکمان غدار و افراد پلیدی هستند که نام انسان بر خود گذاشته‌اند.

جا دارد که در این زمینه بیش از گذشته فعالیت کنیم. حضور مردم در خیابان‌ها که بحمدالله هر شب در استان و سراسر کشور، به فرمان و تأکید مقام معظم رهبری ادامه دارد، باید استمرار پیدا کند. همین حضور شبانه مردم برای اعلام انزجار از آمریکا و رژیم صهیونیستی، خود دارای موضوعیت است.

البته اگر در کنار این حضور، سخنرانی‌های مناسب، محتوای فرهنگی و برنامه‌های اثرگذار نیز ارائه شود، بسیار خوب و ارزشمند است؛ اما اصل حضور مردم در میدان و خیابان، برای مقابله با آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد. همین که شما در صحنه حاضر باشید، آمریکا به اهداف خود نمی‌رسد و نمی‌تواند جنایت‌هایش را تکرار کند. این حضور بسیار مهم است.

همین‌جا انصافاً از عزیزان بزرگواری تشکر می‌کنم که ما واقعاً در برابر آنها احساس شرمندگی می‌کنیم. هر شب و هر شب، بزرگواری را می‌بینم که شاید مدت‌ها به واسطه کهولت سن در مجامع عمومی حضور نداشتند، اما امروز این حضور را برای خود یک وظیفه و تکلیف می‌دانند. با پرچم، به همراه خانواده و همسر خود، هر شب در صحنه حاضر می‌شوند. همه اینها ایستادگی در برابر آمریکای جنایتکار است.

حضور در مراسم تشییع امام شهید، نمایش اقتدار نظام اسلامی است / همه امکانات باید برای برگزاری باشکوه این مراسم بسیج شود

اکنون نیز وداع و تشییع امام شهیدمان را پیش رو داریم که پس از چهار ماه، فرصت آن فراهم شده است. امیدواریم بتوانیم آن‌گونه که حق و شایسته اوست، ادای وظیفه کنیم.

عزیزان! این تشییع جنازه، همان‌گونه که قبلاً نیز عرض کردم، در تاریخ بی‌نظیر است. امیرالمؤمنین (ع) شبانه و با جمعی اندک و به‌صورت مخفیانه تشییع شدند. حضرت فاطمه‌زهرا (س) نیز شبانه و مخفیانه به خاک سپرده شدند. درباره امام حسن مجتبی (ع)

نیز همه می‌دانید که تشییع پیکر ایشان با تیرباران همراه بود. امام حسین(ع) نیز با آن اوضاع به شهادت رسید و تشییع جنازه‌ای نداشتند.

تنها درباره حضرت موسی بن جعفر(ع) و امام رضا(ع)، آن هم در محدوده‌ای کوچک در بغداد و مرو، شیعیان توانستند گرد هم بیایند و در حالی که حاکمان ستمگر زمان برای اینکه ظاهر را حفظ کنند، در جمع تشییع‌کنندگان حاضر می‌شدند؛ اما این تشییع جنازه [رهبر شهید(ره)] در عالم بی‌نظیر است.

اگر ما در این مراسم تشییع جنازه شرکت می‌کنیم، درست است که ادای دین می‌کنیم، درست است که می‌خواهیم وفاداری خود را نسبت به آقا و امام جامعه‌مان ابراز کنیم، اما این مراسم یک نکته مهم دیگر نیز دارد و آن «حضور» است.

این حضور، اقتدار نظام اسلامی را به نمایش می‌گذارد. هرکس به هر اندازه که می‌تواند باید کمک کند؛ با حضور خود، هرچند به دلیل کثرت جمعیت، لزوماً امکان حرکت در پشت پیکر مطهر وجود نداشته باشد. اما حضور در تهران، قم، مشهد و همچنین در خود سمنان که چهارمین استانی است که در این برنامه عظیم قرار دارد، اهمیت فراوانی دارد. همه ما باید خانه‌ها، امکانات و هر خدمتی را که می‌توانیم برای این مراسم در اختیار قرار دهیم.

اگر پیکر مطهر حضرت آقا به بغداد، کاظمین، نجف و کربلا می‌رود، این نشانه اقتدار تشیع، اقتدار نظام اسلامی و اقتدار اسلام است. پس از این همه شهید دادن و پس از مقابله با دو جریان بزرگ تروریستی جهانی، این حضور، اقتدار نظام اسلامی را به رخ دنیا می‌کشد و دنیا نیز محبت خود را ابراز می‌کند. در هر کشوری که این پیکر مطهر حضور پیدا کند، بدون تردید شاهد ابراز احساسات گسترده خواهد بود.

این وداع، وداعی باشکوه خواهد بود. تشییع پیکر، کاری بسیار مهم و بزرگ است. هرکس هر امکانی دارد، باید روی کار بیاورد. ترس به خود راه ندهید، تمام زمینه‌ها و امکانات اعم از اتوبوس و قطار [و دیگر امکانات] فراهم شده است. نباید به مسائل جزئی مانند هزینه بنزین، استهلاک خودرو یا حتی سختی‌های شخصی فکر کرد. این حضور، برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی، اسلام و تشیع در جهان است و ان شاءالله اهمیت آن، نمایش اقتدار و قدرت اسلام در سطح جهانی خواهد بود. این همان جایگاهی است که به قدرت چهارم شدن ما در جهان ارتباط پیدا می‌کند لذا باید آن را جدی گرفت.

«ایران قوی» «اراده قوی» و «امیدآفرینی» میراث ماندگار امام شهید است/ دشمن‌شناسی، خودباوری و پیشرفت علمی از مهم‌ترین تأکیدات امام شهید بود/ توصیه‌های امام شهید باید به سبک زندگی عموم جامعه تبدیل شود

فقط به جهت رعایت وقت، تنها فهرستی از واژه‌هایی را که با شنیدن نام امام شهیدمان به ذهن می‌آید بیان می‌کنم؛ واژه‌هایی که شاید پیش از این یا با آنها آشنا نبودیم یا کمتر به آنها توجه داشتیم:

واژگانی مانند «ایران قوی» «قوی شدن» «اراده قوی» که امام شهید(ره) همواره بر آنها تأکید داشتند. ایشان به جوانان، مردم، نیروهای مسلح، مسئولان، بانوان و همه جامعه، داشتن اراده قوی را سفارش می‌کردند.

«حرکت به سوی قله» «تلاش بیشتر» «صبر، استقامت و پایداری» از دیگر واژه‌هایی است که در طول این ۳۷ سال، امام جامعه به جامعه ما تزریق کرده و با آنها ما را حمایت کرده‌اند. اگر تاکنون در عمل از آنها عقب بوده‌ایم، اکنون باید با دقت و تأمل، آنها را وارد زندگی خود کنیم.

«سعی و تلاش جدی» «مطالعه کتاب» به‌ویژه برای جوانان، «تحول‌آفرینی» «امیدآفرینی» «دشمن‌شناسی» و شناخت شیوه‌های دشمن، از دیگر محورهایی بود که ایشان همواره بر آن تأکید داشتند. دشمن‌شناسی خود بحث مستقلی است که بر آن تکیه داشتند و بارها ما را به آن سفارش می‌کردند.

«نترسیدن، هراس نداشتن» «سست نشدن» «استقلال ملی» «عزت ملی» «منافع ملی» «خودباوری و اعتماد به نفس» «پیشرفت در علم و صنعت» همه از تأکیدات ایشان بود.

حتی درباره «هوش مصنوعی» نیز زمانی که بسیاری هنوز به آن توجه نداشتند، رهبر شهید انقلاب(ره) به این موضوع اشاره کرده بودند. امروز حتی کارشناسان رژیم صهیونیستی نیز می‌گویند که برای پیشبرد اهداف، خباثت‌ها و کشتار مردم، از هوش مصنوعی

استفاده می‌کنند و معتقدند باید بیش از این نیز از آن بهره ببرند. در حالی که آقای ما سال‌ها پیش، این موضوع را مطرح کرده بودند و امروز نیز ما هنوز در این زمینه عقب هستیم. باید به این دستور عمل کنیم.

امیدواریم این مطالب با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. عزیزان بزرگواری که این روزها درباره امام شهید(ره) سخن می‌گویند و خاطرات ایشان را بیان می‌کنند، این کار بسیار خوب است؛ اما خواسته‌ها و مطالبات حضرت آقا نیز باید تبیین شود. هر یک از این مطالب در سخنان خود ایشان، در سخنرانی‌های مختلف، به صورت مفصل توضیح داده شده است.

از سخنرانان عزیزی که این شب‌ها در مجالس سخن می‌گویند نیز درخواست می‌کنم اگر از امام حسین(ع)، حضرت زینب کبری(س) و اهل بیت(ع) سخن می‌گویند، مطالب را با شرایط امروز تطبیق دهند. ما امروز در این شرایط، زندگی می‌کنیم. تقاضای بنده از سخنرانان سراسر استان، حداقل این است که مطالعات خود را در این زمینه افزایش دهند. البته از برخی از سخنرانان نیز که در این عرصه بسیار خوب عمل کرده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.

به‌ویژه با توجه به اینکه تقارن ایام تشییع امام شهید(ره) با ایام شهادت و عزای سیدالشهداء(ع) همراه شده است، انجام این وظایف ضروری‌تر است.

در دو نکته کوتاه، مطالب دیگری را نیز عرض می‌کنم. نخست درباره تنگه هرمز؛ اهمیت این تنگه، سفارش رهبر معظم انقلاب درباره حفظ، مدیریت و صیانت از آن، کاملاً روشن است. می‌بینید که دشمن نیز هر از چندگاهی با انجام برخی اقدامات و تحرکات، می‌خواهد میزان آگاهی و آمادگی ما را بسنجد.

آنها به‌خوبی فهمیده‌اند که این تنگه یک اهرم و گلوگاه مهم در اختیار جمهوری اسلامی ایران است و از دست رفتن آن برای آنان بسیار پرهزینه خواهد بود و می‌تواند سوخت، انرژی و بسیاری از مسائل صنعتی آنان را با مشکل مواجه کند. در ماه‌های گذشته نزدیک بود که به بحران‌های بزرگی برسند که فعلاً به دلیل تفاهم صورت گرفته رخ نداده است.

طبیعتاً همراهی مردم عزیزمان و اعلام مطالبات شما به وسیله ائمه جمعه و دیگر سخنرانان، موجب حمایت از نیروهای مسلح خواهد شد. قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در بیانیه دیروز خود به‌صراحت اعلام کرد هرگونه مداخله‌جویی و دخالت اجانب در

مدیریت آن [تنگه هرمز] موجب ناامنی خواهد شد و امنیت منطقه را به خطر خواهد انداخت. «ایران در صیانت از حق حاکمیت خود در تنگه هرمز، از هیچ اقدامی برای درهم کوبیدن هرگونه تعدی و تجاوز توسط ارتش آمریکا و حامیان آن، دریغ نخواهد کرد»

مسئولان، پاسخ لازم را به تهدیدات دشمن نسبت به ترور مقام معظم رهبری بدهند

نکته آخر درباره تهدیدهایی است که انجام شد. آنها تهدید کردند و رهبر شهید را به شهادت رساندند؛ اما اینکه وزیر جنگ رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی جسارت کند و دوباره به خود اجازه دهد رهبر عزیز ما را به ترور تهدید کند، مسئله‌ای نیست که بی‌پاسخ بماند!

از مسئولان عزیزمان انتظار می‌رود که هرچند موضوع مذاکرات در جای خود مطرح است، اما در برابر چنین تهدیدهایی که متوجه عمق جان ملت و اصلی‌ترین و محوری‌ترین حیثیت ماست، سکوت نکنند. این تهدیدها باید با اقدامات متقابل، پیگیری در مجامع بین‌المللی - هرچند امید چندانی به آنها نداریم - یا حداقل با قرار دادن این موضوع در معرض افکار عمومی جهان پاسخ داده شود.

حضرت آقا نیز در پیام خود به قوه قضائیه به این مسأله اشاره کردند و همان‌گونه که امام شهیدمان در زمان حیاتشان فرموده بودند، این جنایت‌ها باید در مجامع بین‌المللی شکایت و پیگیری شود؛ حتی اگر بیست سال بعد نتیجه بدهد؛ ممکن است یک قاضی پیدا شود که بتواند حق ما را از آنان بگیرد.

قطعاً عوامل دشمن باید مورد تهدیدهای مشابهی قرار بگیرند، پرونده انتقام امام شهید(ره) نباید بسته شود. درست است که مراسم تشییع را برگزار می‌کنیم، اما انتقام در جای خود محفوظ است!

همانگونه که سردار ذوالقدر در پیام خود جمله بسیار زیبایی بیان کردند که زبان حال همه مردم عزیز ماست «آمرین و عاملین این جنایات در وقت خود که دیر نخواهد بود، به دست «عناصر صالحه» به‌سزایشان خواهند رسید» ان‌شالله.

والسلام عليكم و رحمۃ اللہ و برکاتہ.